

□ چارهربری دوره ای نیست؟ □ اسلام اجباری و مسیحیت اختیاری؟! □ تعیین سرنوشت با رفتارندوم؟ □ دختران، نیکی های ماندگار □ ناامن سازی اجتماعی با بازی های ویدئویی □ رهبری، مراجع و چاره گرانی □ منفورتر از رژیم صهیونیستی □ برازنده دختران

شبهه روز

چارهربری دوره ای نیست؟

صلاحیت شد، با تغییر رهبری، از وجود فرد صلاحیت دار، بهره مند شد و دیگر منتظر اتمام مدت مسئولیت چهار ساله و مانند آن نماند.

۵. جلوگیری از فساد صاحبان قدرت و چرخش نخبگان و استفاده از نیروی کاراتر، دو هدف عمده برای دوره ای بودن مسئولیت ها در نظام های سیاسی است؛ اما در نظام اسلامی، راهکاری که برای گزینش، نظارت و برکناری ولی فقیه در نظر گرفته شده، تضمین های به مراتب مطمئن تر و کارآمدتری را در جهت کنترل صاحبان قدرت و استفاده بهتر از نخبگان و افراد واجد شرایط رهبری، در بر دارد؛ زیرا:

اولاً ولی فقیه جامع الشرایط، از ویژگی هایی برخوردار است که ریاست های نظام های سیاسی دیگر، از آن بی بهره اند. رهبر در نظام اسلامی، از ساز و کارهای قوی درونی کنترل قدرت، همچون عدالت و اسلام شناسی برخوردار است و این دو، علاوه بر راهکارهای بیرونی کنترل قدرت - که در قانون اساسی وجود دارد - به صورت جدی، رهبر را در برابر آفات قدرت، ایمن می سازد.

ثانیاً برای جانشینی اصلح به جای رهبر موجود، نیازی به دوره ای شدن رهبری نیست؛ زیرا بنا بر اصل ۱۱۱ قانون اساسی، اگر معلوم شود که رهبر، از صفات و ویژگی های اولیه، جدا شده و اصلحیت او، برای خبرگان، زیر سوال برود، مجلس خبرگان، ملزم است شخص اصلح را به جای او بگمارد.

□ علی مجتبی زاده



فقهای واجد شرایط مذکور در اصل ۵ و اصل ۱۰۹، بررسی و مشورت می کنند و در بر اساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی، مجلس خبرگان، وظیفه نظارت بر بقای شرایط و صلاحیت های لازم رهبر را بر عهده دارد و در صورت عجز و ناتوانی رهبر از ایفای وظایف قانونی خود یا فقدان یکی از شرایط رهبری، مشروعیت بقای بر این مسئولیت را از دست خواهد داد.

۴. لزوم و تأکید بر «مادام الصلاحیت» بودن ولی فقیه و نظارت مستمر خبرگان بر ایشان، موجب می شود که از یک سو، همواره با توجه به نظارت های درونی و بیرونی، از فساد قدرت، جلوگیری شود و از سوی دیگر، به مجرد اینکه رهبری، فاقد

عصر عصر فقه الشریعه، در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت است، بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم، عهده دار آن می گردد.

اصل ۱۰۹ نیز شرایط و صفات رهبر را به شرح زیر بیان می دارد:

- صلاحیت علمی لازم برای افتنا در ابواب مختلف فقه.
- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

مطابق اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی نیز ابتدا خبرگان رهبری، در باره همه

گاهی عهده ای بر رهبری خرده می گیرند که چرا در کشور ما، نباید رهبری، مانند سایر مسئولیت ها، زمان مند و برای دوره ای مشخص باشد و چنین رویه ای در رهبری را موجب غیرمردمی بودن آن و مخل جمهوریت نظام می انگارند. با توجه به چند نکته، نادرستی چنین نگاهی، روشن می شود.

۱. رهبری و ویژگی ها و شرایط آن، به روشنی در قانون اساسی، ترسیم شده است. قانون اساسی نیز دوباره رأی و تأیید مردم گذاشته شده است؛ از این رو، نمی توان وجود رهبری با این ویژگی ها را مخالف مردمی بودن نظام دانست.

۲. رهبری، گرچه به صورت مستقیم، منتخب مردم نیست، اما به واسطه نمایندگان مجلس خبرگان، از سوی مردم انتخاب می شود و از این جهت نیز جنبه مردمی بودن و شاخص جمهوریت نظام در مورد رهبری، مورد توجه قرار گرفته شده است.

۳. هر چند ولایت فقیه دوره ای نیست، اما مادام العمر هم نیست؛ بلکه مادام الصفات و الشرایط است؛ به این معنا که ولی فقیه، تا زمانی که صفات ولایت فقیه را دارا باشد، از مشروعیت برخوردار است و اگر صفات و شرایط را از دست

بدهد، از ولایت ساقط است. قانون اساسی، در دو اصل، به بیان این صفات ویژه می پردازد. اصل ۵: در زمان غیبت حضرت ولی

شبهه پژوهی

اسلام اجباری و مسیحیت اختیاری؟!

در پاسخ این شبهه، به چند نکته اشاره می‌گردد:

۱. به هیچ وجه در اسلام، مسئله‌ای به نام اجبار در پذیرش دین، وجود ندارد؛ بلکه ده‌ها آیه قرآن و روایات صحیح از پیشوایان دین وجود دارد که از اکراه یا اجبار دیگران به پذیرش اسلام، منع می‌کند؛ در مقابل، برخی از الهی‌دانان مهم مسیحی، مانند آگوستین، اجبار دیگران به مسیحیت را مشروع قلمداد کرده‌اند.

۲. از دیدگاه اسلام، از آنجا که ایمان، از مقوله تصدیق قلبی و التزام عملی مبتنی بر فهم، منطق و عقلانیت است، نمی‌توان کسی را به پذیرش دین، مجبور کرد. ایمان، یک تحول عمیق وجودی است و هیچ‌گاه نمی‌توان کسی را به تحول عمیق وجودی مجبور نمود؛ همچنان

که نمی‌توان به عقل کسی چنین تحمیل کرد که گزاره $2+2=5$ را بیاورد!

از همین رو، قرآن مجید می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ؛ در پذیرش دین، هیچ اکراهی نیست». (بقره، آیه ۲۵۶) نه به این معنا که نباید به دین اکراه کرد؛ بلکه به این معنا که اساساً پذیرش دین، اکراه‌کردنی نیست؛ زیرا (به سبب عقل فطری و وحی آسمانی) رشد، از گمراهی، آشکارا جدا شده است.

همچنین در قرآن کریم، برای پذیرش حق (قرآن)، آزادی داده شده است و می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَم فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ بگو حق از سوی پروردگارتان (فرو آمده) است؛ پس هر کس بخواهد، بگردد و هر کس بخواهد، انکار کند». (کهف، آیه ۲۹). خداوند، فراوان به

پیامبر تأکید می‌کند که وظیفه تو، تنها رساندن پیام است و نه بیش از آن و می‌فرماید: «فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَيَّ رَسُولُنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ؛ پس اگر (از اسلام) روی برتافتند، بدانید که بر پیام آور ما، جز رساندن آشکار و رسای پیام الهی، تکلیفی نیست» (مائده، آیه ۹۲) و «مَا عَلَيَّ

شبهه: اسلام، دین اجبار و اکراه است؛ زیرا دیگران را با زور شمشیر، به پذیرش خود مجبور می‌کند؛ ولی در مسیحیت، هیچ کس به پذیرش مسیحیت، مجبور نیست! احکام فقهی ورود به اسلام و خروج از آن، دلیل روشنی بر اجباری بودن پذیرش دین در اسلام است؛ آنچنان که تغییر دهند دین، حکم ارتداد و مرگ می‌گیرد. مسلمانان، نه در ورود و نه در ماندن و نه در خروج از اسلام، اختیاری ندارند! بنابراین، می‌توان اسلام را دینی سیاسی و جغرافیایی به شمار آورد.

الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ؛ بر پیامبر، جز رساندن، تکلیفی نیست» (مائده، آیه ۹) و «فَأَمَّا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ؛ پس جز این نیست که بر تو، تکلیف رساندن پیام و بر ما حساب رسی آن است» (رعد، آیه ۴) و ده‌ها آیه دیگر در قرآن که تأکید می‌کند پیامبر و مسلمانان، جز رساندن پیام اسلام، وظیفه‌ای ندارند و کسی را نباید بر پذیرش دین، اجبار یا اکراه نمود.

۳. شواهد و قرائن بسیار، بر این دلالت می‌کند که سیره پیامبر اکرم، بر مدارای دینی بوده است. روزی گروهی از مسلمانان، به رسول خدا گفتند: یا رسول الله! اگر مشرکانی را که بر آنها تسلط و قدرت داریم، مجبور می‌کردید ایمان بیاورند و مسلمان شوند، تعداد ما زیاد می‌شد و قدرت بیشتری در مقابل دشمنان پیدا می‌کردیم. پیامبر اکرم در پاسخ آنان فرمود: «نمی‌خواهم خداوند را در حالی ملاقات کنم که مرتکب بدعتی شده باشم که خداوند در مورد آن، به من فرمانی نداده است و من از متکلفان نیستم».

۴. در طول تاریخ، الهی‌دانان مسیحی زیادی، درباره لزوم یا عدم لزوم اجبار به ایمان، نظریاتی ارائه کرده‌اند. برخی از آنان، به ایمان اجباری، معتقد بوده، برخی تنها به حفظ اجباری ایمان مردم مؤمن و برخی به آزادی ایمان، باور داشته‌اند. یکی از بزرگ‌ترین الهی‌دانانی که نظریه «ایمان یا شمشیر» را ترویج می‌کرد، آگوستین قدیس بود. وی در نامه‌ای به بونیفاس می‌نویسد: «در واقع، بهتر است مردم به سوی پرستش خداوند، راهنمایی شوند؛ نه اینکه از ترس عذاب و درد ورنج، بدان سو روی آورند؛ اما این بدان معنا نیست که چون شیوه نخست، مردان بهتری پدید می‌آورد، کسانی را که تسلیم راه درست نمی‌شوند، به کلی فراموش کنیم! در خیلی از موارد، بهتر است مردم ابتدا با ترس یا درد ورنج، به این راه کشانده شوند تا بعداً تحت تأثیر آموزش و تعلیم قرار گیرند یا اینکه آنچه را لفظاً آموخته‌اند، عملاً به کار بندند!»

احمد رضا در دشتی

پی نوشت:

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۴۲.

شبهه

ماهنامه ویژه‌پوشش مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره دوازدهم / خرداد ۱۴۰۲

۲



از دیدگاه اسلام، از آنجا که ایمان، از مقوله تصدیق قلبی و التزام عملی مبتنی بر فهم، منطق و عقلانیت است، نمی‌توان کسی را به پذیرش دین، مجبور کرد. ایمان، یک تحول عمیق وجودی است و هیچ‌گاه نمی‌توان کسی را به تحول عمیق وجودی مجبور نمود؛ همچنان که نمی‌توان به عقل کسی چنین تحمیل کرد که گزاره $2+2=5$ را بیاورد!





تعیین سرنوشت با فراندوم؟

در خصوص بحث فراندوم و کسانی که این موضوع را مطرح می‌کنند، ابتدا باید به چند نکته، توجه داشته باشیم:

۱. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است که در مراحل مختلف تعیین سرنوشت، تأسیس یا تصویب بخش عمده‌ای از نهادها و قوانین، خودش را به عرصه انتخابات و رأی‌گیری مستقیم از مردم، واگذار کرده است، نشان داده که از مراجعه به آراء عمومی و توجه به خواست اکثریت، هیچ گونه ابایی ندارد. نظام‌هایی از مراجعه به آراء عمومی وحشت دارند که ماهیت آنها، غیرمردمی است؛ اما نظام جمهوری اسلامی که با خواست اکثریت مطلق مردم ایران تأسیس شد و در طول ۴۴ سال گذشته، با حمایت و پشتیبانی قاطع ملت ایران، توانسته در برابر انبوه مشکلات و دشمنی‌های معاندان نظام، دوام بیاورد و روز به روز هم قوی‌تر شود، هرگز نگران مراجعه به آراء عمومی نیست و نخواهد بود. فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی، نخستین نظامی است که بر خلاف روال معمول نظام‌های سیاسی دنیا، اصل تأسیس و ماهیت خود را به فراندوم گذاشت و به نظر اکثریت مردم عمل کرد.

۲. با توجه به نکته اول، افرادی که موضوع فراندوم را مطرح می‌کنند، واقعاً نگران اجرایی نشدن رأی اکثریت در ایران نیستند و واقعاً انگیزه‌هایی غیر از مراجعه به آراء عمومی و پذیرش رأی و نظر نهایی مردم دارند؛ زیرا این افراد، پیش از این هم بارها نشان داده‌اند که به رأی و نظر مردم در هر شرایطی، پایبند نیستند. آنها زمانی شعار دفاع از رأی مردم را سر می‌دهند

که منافع آنها تأمین شود و در غیر این صورت، اگر نتایج رأی مردم، باب میل آنها نباشد، قطعاً ارزشی برای نظر اکثریت قائل نیستند؛ کما اینکه در انتخابات سال ۸۸، همه دیدند که نتیجه انتخابات، پیروزی نامزد مخالف جریانی بود که اکنون، موضوع فراندوم را مطرح می‌کند و رأی اکثریت، به نامزدی تعلق گرفت که این اقلیت مخالف،



آن را نمی‌پذیرفتند. آنها هرگز زیر بار رأی اکثریت نرفتند و رهبری را برای باطل کردن انتخابات، تحت فشار قرار دادند و هواداران خودشان را به اغتشاشات خیابانی، جهت باطل کردن رأی اکثریت، فراخواندند.

علت اینکه برخی از افراد در مسائل اخیر و از جمله مسئله حجاب، موضوع فراندوم را پیش می‌کشند، این است که تصور

می‌کنند از این طریق، می‌توانند با فضا سازی رسانه‌ای، کشور اسلامی ایران را همانند جوامع غربی، به بی‌بندوباری و آزادی‌های بی قید و بند جنسی، سوق دهند؛ اما اگر از این طریق هم نتوانند به خواسته خودشان دست یابند، بر فرض برگزاری فراندوم، در عدم پذیرش رأی اکثریت، هیچ تردیدی به خودشان راه نخواهند داد.

۳. جریان غرب‌گرا - که امروزه دم از فراندوم می‌زند - حتی حاضر نیست تجربه حامیان

غربی خودش را مورد توجه قرار بدهد. کدام کشور غربی تا کنون مانند ایران، اصل نظام خودش را به فراندوم گذاشته است؟ این جریان، در مسائلی، خواستار برگزاری فراندوم است که خیلی از کشورهای اروپایی و غربی، آن مسائل را هرگز به رأی عموم نمی‌گذارند؛ بلکه در نهایت، در پارلمان خود، در مورد آن تصمیم می‌گیرند. اگر کشورهای

غربی هم فراندوم را علاج مشکلات در هر موضوعی می‌دیدند، چرا کشوری مثل فرانسه، قانون جنجالی افزایش سن بازنشستگی را به فراندوم نمی‌گذارد تا در این چند ماه، این همه آشوب در این کشور اتفاق نیفتد؟ چرا کشورهای غربی، کمک‌های ده‌ها میلیاردی خود به اوکراین را به فراندوم نمی‌گذارند؟ چرا دولت آمریکا، دفاع

بی‌چون و چرا و حمایت‌های بی دریغ مالی و نظامی خود از رژیم اشغال‌گر و کودک‌کش اسرائیل را - که مخالفان بسیاری نیز در داخل آمریکا

دارد - به فراندوم نمی‌گذارد؟

بنابراین، اگر حامیان فراندوم - که در واقع، غرب‌گرا هم هستند - قرار است این مسئله را طرح کنند، بد نیست به تجربه کشورهای غربی هم توجه داشته باشند.

علت اینکه برخی از افراد، در مسائل اخیر و از جمله مسئله حجاب، موضوع فراندوم را پیش می‌کشند، این است که تصور می‌کنند از این طریق، می‌توانند با فضا سازی رسانه‌ای، کشور اسلامی ایران را همانند جوامع غربی، به بی‌بندوباری و آزادی‌های بی قید و بند جنسی، سوق دهند؛ اما اگر از این طریق هم نتوانند به خواسته خودشان دست یابند، بر فرض برگزاری فراندوم، در عدم پذیرش رأی اکثریت، هیچ تردیدی به خودشان راه نخواهند داد.



معرفی کتاب

دختران، نیکی‌های ماندگار

کتاب «بانوی مهر» به قلم ابوالفضل ربانی، در سال ۱۴۰۱ در ۲۱۸ صفحه، توسط مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، منتشر گردید. در این کتاب، نویسنده در شش فصل، به جایگاه زنان و دختران در سیره اهل بیت در ابعاد مختلف، پرداخته است. بخشی از کتاب را می‌خوانیم.



اهمیت تأمین نیازهای روحی دختران در رفتار اهل بیت

در عصر جاهلی، بر اثر عوامل محیطی و اجتماعی، زن را از طبقهٔ خادمان و ابزاری برای خدمت در خانه و تأمین نیازهای جنسی، قلمداد می‌کردند. لذا پیامبر اکرم، در گام نخست، باید نگرش جامعه به دختران را تغییر می‌داد تا نیمی از جمعیت را از تبعیض‌ها و نابرابری‌ها نجات دهد.

تغییر پندار جامعه دربارهٔ دختران و بانوان، با بهره‌گیری از دو ابزار گفتار و کردار، انجام شد. گفتارهای بسیاری از پیامبر اکرم درباره چگونگی برخورد با دختران، بر جای مانده است. چنان که ایشان می‌فرماید: «هرکس دخترانی داشته باشد و وظیفه‌اش در قبال آنان را به خوبی انجام دهد، دخترانش، سپری در برابر آتش دوزخ خواهند بود»^۱. ایشان در جایی دیگر، با بیان حدیث «خیر اولادکم البنات»^۲ دخترداری را خیر محض می‌خواند.

بر شمردن ویژگی‌های مثبت دختران، موضوع روایت‌های بسیاری از اهل بیت نیز قرار گرفته است. «هرکس دختری داشته باشد، حجابی خواهد بود بین والدینش و آتش جهنم؛ هرکس دو دختر داشته باشد، واسطهٔ ورود او به بهشت خواهند بود و کسی که دختران بیشتری نزدش باشد، از جهاد و صدقه، معاف خواهد بود و از ثواب آنها بهره‌مند می‌شود»^۳.

این مهم، مورد تأکید پیامبر قرار گرفته است: «کسی که دختری داشته باشد و در تربیت نیک او، تغذیهٔ خوب او و فراهم آوردن نیازهای او کوشا باشد، از چپ و راست، محافظانی از آتش جهنم خواهد داشت تا زمانی که رهسپار بهشت شود»^۴.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه به فرزند دختری نوید داده می‌شود، رسول خدا می‌فرمود: گلی از گل‌های بهشتی است و روزی او را خداوند عهده‌دار است»^۵.

پیامبر اکرم می‌فرماید: «خداوند پیامرزد پدر دختران

را! دختران، بابرکت، دوست‌دار و دوست‌داشتنی هستند. به پسران، بشارت داده می‌شود؛ در حالی که دختران، نیکی‌های ماندگارند»^۶. ایشان در سخنی دیگر، دختردار بودن را موجب نزول برکات دوازده‌گانه به خانه، آمدوشد فرشتگان به آنجا و ثبت عبادت‌های یک‌ساله برای والدین آنها در هر شب و روز بیان می‌کند.^۸

رفتارهای خاص پیامبر اکرم در رویارویی با دختران، نشان از اهتمام ویژهٔ آن حضرت به اوضاع روحی دختران است. بر اساس داده‌های علمی، دختران نسبت به پسران، رشد عقلی و روحی سریع‌تری دارند؛ مهر و عاطفه در وجود زنان و دختران، بیشتر نمایان است و وابستگی و نیاز به محبت نیز در این قشر نمود بیشتری دارد.

توجه خاص پیامبر اکرم به یگانه دختر خویش، زیانزد خاص و عام است؛ اما این توجه، انحصاری نیست. امامه، نوهٔ رسول خدا و فرزند دخترش زینب بود که ایشان، محبت بسیاری به او ابراز می‌کرد. بر اساس پاره‌ای از گزارش‌ها، این دختر، بر دوش حضرت می‌نشست و گاهی هنگام نماز، بر شانهٔ حضرت سوار می‌شد و حضرت در هنگام رکوع، او را از دوشش پایین می‌آورد و به هنگام قیام، اجازه می‌داد بر دوشش بنشیند.^{۱۰}

گفته شده روزی گردن‌بند طلای زیبایی، به پیامبر هدیه شد و حضرت، آن را به همسران خود نشان داد و نظر آنان را جویا شد. همهٔ زنان، به زیبایی چشم‌نواز آن اشاره کردند و از رسول خدا خواستند گردن‌بند را به ایشان بدهد. پیامبر اکرم فرمود: آن را به محبوب‌ترین در این خانه می‌دهم. سپس ایشان، امامه را فراخواند و گردن‌بند را بر گردن او بیخت.^{۱۱}

ایشان همچنین پس از مرگ اسعد بن زراره، دخترکان بر جای مانده از او را از لطف و نوازش خویش، بهره‌مند می‌کرد و با آگاهی از میزان تأثیر نبود پدر در روحیهٔ حساس دختران، هدایای متنوعی از وسایل

زینتی به آنان می‌داد.^{۱۲}

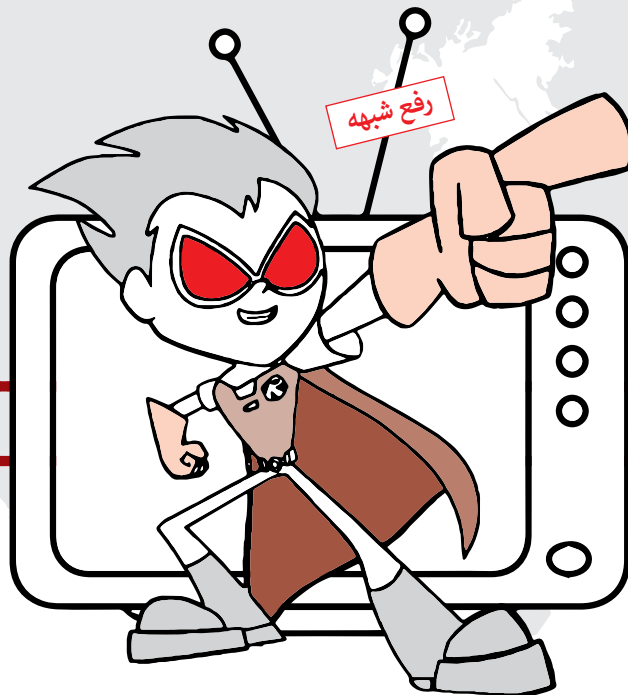
پس از جریان حدیبیه و به هنگام عمرة القضاء، گویا عماره، دختر حمزه، عموی پیامبر، در مکه اقامت داشت و امیرالمومنین علیه السلام از پیامبر خواست تا او را به مدینه بازگرداند. با موافقت حضرت، این امر انجام شد. به گفتهٔ راوی، در سرپرستی این دختر، اختلافی بین امیرالمومنین و زید بن حارثه - که با حمزه، پیمان برادری داشت - و جعفر بن ابیطالب - که شوهرخالهٔ عماره بود - روی داد. پیامبر اکرم فرمود: «زید! تو دوست خدا و رسول هستی و توای علی! برادر، همراه و مصاحب منی؛ ولی توای جعفر! سزاوار سرپرستی این دختر هستی؛ چون همسرت اسماء، خالهٔ عماره است و خاله همانند مادر برای اوست»^{۱۳}. نکتهٔ قابل استفاده از این داستان، توجه رسول خدا به نیاز روحی دختران به دلسوزی‌های مادرانه است. پیامبر اکرم، در هنگام تقسیم هدایا نیز عماره را از یاد نمی‌برد؛ چنان‌که وقتی حریری به حضرت هدیه شد، برای عماره نیز سهمی در کنار فاطمه علیه السلام دخترش و فاطمه بنت اسد، مادر علی علیه السلام قرار داد.^{۱۴}

پی‌نوشت:

۱. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۳۸.
۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.
۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶.
۴. بیهقی، السنن الصغیر، ج ۳، ص ۲۹.
۵. ابن اشعث، الجعفریات، ص ۱۸۹.
۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۴.
۷. همان، ص ۱۱۶، ج ۹، ص ۱۷۷.
۸. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶.
۹. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۲.
۱۰. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۳۶۶.
۱۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵.
۱۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۳۹.
۱۳. ابونعیم، معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۴۱.

ماهنامه ویژه پوشش مطالبات دانش‌جویان و طلاب جوان

شماره دوازدهم / خرداد ۱۴۰۲



بخش دوم

بازی اجتماعی بازی ویدئویی

۳. سرقت اطلاعات

سرقت اطلاعات از طریق بازی‌های ویدئویی و نقش آن در ایجاد ناامنی، از دو منظر قابل بررسی است:

الف. سازندگان دستگاه‌های بازی و خدمات دهندگان بازی‌های ویدئویی، به بسیاری از اطلاعات گیمرها دسترسی دارند و می‌توانند با تحلیل (داده‌کاوی) رفتار آنان، علایق، توانمندی‌ها، تفکر و رفتار گیمرها را تشخیص دهند؛ اما بخش دیگر اطلاعات تحلیلی عملکرد گیمرها، هرگز در اختیار او قرار نمی‌گیرد. این بخش، مواردی مانند تمایلات، تفکرات، توانمندی‌های جسمی و ذهنی، سبک زندگی، ارتباطات و... گیمرهاست و از مجموع فعالیت آنلاین او در همه بازی‌های ویدئویی و شبکه‌های اجتماعی بازی، به دست می‌آید. این اطلاعات، به ویژه می‌تواند در اختیار دستگاه‌های امنیتی، مانند «آژانس امنیت ملی آمریکا»، سازمان‌های جاسوسی و گروه‌های تروریستی و برانداز قرار بگیرد.

ب. سازندگان دستگاه‌های بازی و خدمات دهندگان بازی‌های ویدئویی می‌توانند با استفاده از برخی تجهیزات دستگاه بازی، بازی را به سرقت اطلاعات حساس، حیاتی و مهم کشورها پردازند! این مورد بخصوص، درباره بازی «پوکمون گو» مطرح است. این بازی، از اطلاعات منطقه جغرافیایی که گیمرها در آن قرار دارد و قابلیت‌های دوربین تلفن همراهش، استفاده می‌کند تا موجوداتی را که «پوکمون» نامیده می‌شوند، روی صفحه نمایش گوشی تلفن همراه، خلق کند. به این ترتیب، مکان جغرافیایی گیمرها، تبدیل به مکان بازی و رقابت پوکمون‌ها می‌شود.

□ محمد کهوند

پرواز، رانندگی و... را شبیه‌سازی کنند.

۲. مهارت‌آموزی

علاوه بر شبیه‌سازی، ویژگی‌هایی مانند قابلیت تمرین و تکرار، هم‌ذات‌پنداری گیمرها با شخصیت بازی، دخالت کنترل شده گیمرها در فرآیند بازی، پوشش موضوعات و مسائل مختلف و انعطاف این رسانه و بهره‌مندی بازی ویدئویی از ظرفیت رسانه‌های هنرهای هفت‌گانه، به قدری بر رفتار گیمرها اثرگذار است که گاهی می‌تواند موجب ملکه شدن یک خصوصیت و یا رفتار در او شود. کودکان و نوجوانان، در بازی‌های ویدئویی، مواردی

ویژگی‌های بازی‌های ویدئویی

آنچه موجب بروز خطا در تحلیل و قضاوت دو طیف مخالفان و موافقان می‌گردد، بی‌توجهی به ماهیت بازی‌های ویدئویی و نحوه ارتباط آنها با سایر رسانه‌ها، در بروز ناامنی‌های اجتماعی است. سه ویژگی مهم و تأثیرگذار بازی‌های ویدئویی در بروز ناامنی‌های اجتماعی و اغتشاشات، عبارتند از:

۱. شبیه‌سازی پدیده‌ها

تولیدکنندگان بازی‌های ویدئویی، می‌توانند موضوعات و مسائل مختلف را شبیه‌سازی کنند و گیمرها را به دنیای واقعیت‌نما، سوق

کودکان و نوجوانان، در بازی‌های ویدئویی، مواردی مانند آموزش به‌کارگیری سلاح سرد، سلاح گرم، قتل، اختفای پس از قتل، آدم‌ربایی، شکنجه، استفاده از سایر ادوات جنگی، اعم از کوکتل مولوتف، بمب و مین، خفت‌گیری، سرقت از بانک و منازل، اغتشاش و براندازی و اخیراً در سبک بازی‌های بتل رویال، جنگ شهری را به گونه‌ای می‌آموزند که می‌توانند در دنیای فیزیکی، مهارت‌های آموخته شده را به کار گیرند

مانند آموزش به‌کارگیری سلاح سرد، سلاح گرم، قتل، اختفای پس از قتل، هماهنگی جهت اقدام تروریستی، آدم‌ربایی، شکنجه، استفاده از سایر ادوات جنگی، اعم از کوکتل مولوتف، بمب، مین و...، خفت‌گیری، سرقت از بانک و منازل، اغتشاش و براندازی و... را به گونه‌ای می‌آموزند که می‌توانند در دنیای فیزیکی، مهارت‌های آموخته شده را به کار گیرند.

دهند. چنین قابلیت، به بازی‌سازان، این امکان را می‌دهد تا علاوه بر شبیه‌سازی مسائل و موضوعات تاریخی، بتوانند انواع رشته‌های ورزشی، مسائل مختلف زندگی بشری (اداره زندگی، ارتباط با همسایه‌ها، پرورش حیوانات، مشاغل و...)، مدیریت (شهر، کشور و یا بخش خاص)، مسائل مرتبط با موضوعات بهداشتی، نظامی، تفریح و سرگرمی (شکار، گردشگری و...)، عکاسی،

در شماره قبل، گفتیم که پس از اغتشاشات سال گذشته، تحلیل‌های فراوانی از سوی تحلیل‌گران، مبنی بر «بازی باز» بودن تعداد قابل توجهی از اغتشاش‌گران، نظرها را به سوی خود جلب کرد.

امنیت اجتماعی و بازی‌های ویدئویی

کارشناسان و نظریه‌پردازان، به دو شکل کلی، در زمینه رابطه بازی‌های ویدئویی و امنیت، اظهار نظر می‌کنند:

۱. گروهی معتقدند که بازی‌های ویدئویی، هیچ نقشی در افزایش خشونت و بروز ناامنی‌های اجتماعی ندارند. به عنوان مثال، آنان مدعی هستند که با فراگیری کرونا، با وجود افزایش فروش و مدت زمان انجام بازی توسط گیمرها، بازی‌های ویدئویی، نقشی در افزایش خشونت‌های اجتماعی و بروز ناامنی نداشته‌اند.

۲. دیگر کارشناسان، مدعی هستند که بین بازی‌های ویدئویی و بروز ناامنی‌های اجتماعی، ارتباط معناداری وجود دارد. به عنوان مثال، در ۱۴ می ۲۰۲۲، یک نوجوان ۱۸ ساله آمریکایی که بیش از ۱۰ نفر را در فروشگاهی به قتل رساند، لحظات کشتار خود را به صورت زنده، از «توییچ» - که نرم‌افزار مخصوص بازی‌های ویدئویی - پخش کرد. همچنین قاتل، نقشه قتل را در دیگر نرم‌افزار بازی با نام «دیسکورد» طراحی کرد. او همچنین از سال ۲۰۱۵م. در «استیم»، مشهورترین سایت فروش و توزیع بازی آنلاین و انجمن مجازی گیمرها جهان، حساب کاربری فعال داشته، برخی بازی‌های با خشونت بسیار زیاد را ساعت‌های متمادی، بازی کرده است.



رفع شبهه

32967218097 | 67280972189

رهبری، مراجع و چاره گرانی

شبهه: چرا رهبری و مراجع، نسبت به گرانی و مشکلات مردم، بی تفاوتند؟

رهبری انقلاب و مراجع عظام تقلید، هیچ گاه نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و مشکلات معیشتی مردم، بی تفاوت نبوده‌اند. نگاهی به مطالبات و خواسته‌های رهبری از مسئولان، بیانگر آن است که مشکلات اقتصادی و مقابله با گرانی و تورم، همواره یکی از دغدغه‌ها و مطالبات ایشان از مسئولان بوده و هست. به عنوان نمونه، ایشان در پیامی که به نمایندگان مجلس فرستادند، یکی از مهم‌ترین موضوعات دارای اولویت را مبارزه با گرانی‌ها دانسته، فرمود: «اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق،

مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازهاست و اینهاست که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد»^۱.

ایشان علاوه بر مجلس - که نهاد قانون‌گذار برای مقابله با گرانی است - همواره به دولت‌ها نیز در مورد رسیدگی و حل این مسئله، تذکرات لازم را داده که این تذکرات، گاهی

علنی و گاهی غیرعلنی صورت می‌گیرد. ایشان در دیدار با دولت در سال ۱۳۸۶،

فرمود: «بدیهی است که مهار تورم، یک کار علمی، ریشه‌ای و بنیانی است که مقدمات و اصولی دارد و تا آن اصول انجام نگیرد، خواهد بود؛ منتها کارهای ضربتی هم باید انجام داد. بالاخره نمی‌شود نشست تا این کارهای بنیانی، یک روزی به نتیجه برسد؛ نه، واقعاً یک فکری بکنید؛ کاری بکنید. حالا من نمی‌خواهم در آن زمینه که چه کار خواهید کرد، پیشنهاد کنم. البته این را هم بگویم که در گرانی، هم عوامل واقعی و هم عوامل کاذب و روانی، دخالت دارند؛ گاهی یک کلمه حرف و

یک تصمیم نادرست و نسنجیده، ناگهان این موج گرانی را تحریک می‌کند و تورم را در بخش‌های مختلف، بالامی‌برد و انتظاراتی را به وجود می‌آورد که امیدواریم ان‌شاءالله این را هم بتوانند آقایان دنبال کنند»^۲.

مراجع عظام تقلید و علما نیز نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و مشکلات معیشتی مردم، بی تفاوت نیستند و همواره نسبت به مشکلات جامعه و مردم، از جمله مسائل اقتصادی و معیشتی، تأکید و توصیه‌های لازم را داشته‌اند و دولت را به وظایف و مسئولیت‌های اصلی خود، فرا خوانده و می‌خوانند:

آیت‌الله مکارم شیرازی: «دولت در صدر اولویت‌های خود، معیشت و زندگی عامه مردم را باید مراقبت کند و به گونه‌ای باشد که به دغدغه‌های اصلی مردم، همانند ایجاد اشتغال بیشتر و مبارزه با قاچاق، مفاسد اقتصادی و گرانی اقلام اساسی، اهتمام بیشتری کند».

مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی: «آیا خوبی‌های مردم را باید با گرانی جواب داد؟ آیا مردم شریف و نجیب ایران، استحقاق این همه مشکلات و بی‌عدالتی‌ها و سختی معیشت را دارند؟ اگر امروز برای رفع این مشکلات و گرانی‌ها، کاری نشود و مردم از این وضعیت نجات پیدا نکنند، فردا دیر است».

آیت‌الله نوری همدانی: «مشکل معیشت و گرانی، حتماً باید حل گردد و مسئولین بر بازار، اشراف داشته باشند. دشمن وارد جنگ اقتصادی شده است و باید مدیریت صحیح داشته باشیم. خیلی از چیزها، به تحریم هم ربطی ندارد و اگر اشراف بر وضعیت کشور باشد، موضوع حل می‌شود. باید حرف مردم را شنید و به خواسته‌های آنها توجه کرد و اگر مشکلی هست، مردم را قانع نمود. مردم پیش از گرانی، از فساد گله‌مند هستند؛ وقتی

اختلاس‌ها و این حقوق‌های نجومی را می‌بینند، ناراحت می‌شوند. چطور می‌شود یک نفر ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، ولی یک جوان، اگر کار هم داشته باشد، یک میلیون تومان حقوق می‌گیرد که هیچ در زندگی اثر ندارد؛ لذا باید بی‌عدالتی در جامعه رفع شود و مردم بهبود معیشت و اقتصاد را در سفره‌هایشان احساس کنند و همواره حس آرامش داشته باشند. همواره باید به مردم خدمت کنید. نباید طوری باشد که مسئولان بیایند در قم، مراجع را ببینند و بروند؛ ولی حرف آنها زمین بماند و عملی نشود. چند سال است که گفته‌ایم دیرکرد حرام است؛ ولی همچنان اخذ دیرکرد، ادامه دارد.

درخواست مردم، به حق است و مشکل اقتصادی وجود دارد؛ اما اجازه موج سواری دشمن را ندهید. ان‌شاءالله مسئولان همت می‌کنند و با وحدت و همدلی و کمک به دولت، مشکلات را حل می‌نمایند. اصل، مردم هستند. این مردم، مطمئناً از نظام حمایت می‌کنند و مشکلات خود را حل خواهند کرد و بار دیگر به آمریکا و ایادی آنها خواهند فهماند که اجازه دخالت به آنان نخواهند داد. تمام غم و نگرانی ما، مشکلات مردم است. مردم از علما توقع دارند حرف آنها را انتقال دهند. مردم توقع دارند که بی‌عدالتی نباشد. اگر مردم عدالت را ببینند، پای نظام و انقلاب می‌ماند؛ همان طور که در ۴۰ سال گذشته مانده‌اند»^۳.

بنابراین، هم رهبری انقلاب و هم مراجع تقلید، نسبت به مشکلات اقتصادی، گرانی و تورم، تذکر، هشدار و مطالبه داشته و دارند. در عین حال، باید توجه داشت که حل این مسائل، تنها با یک تذکر و دستور و بخشنامه و مانند آن، ممکن نیست و نیازمند اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های لازم از سوی مجموعه مسئولان است.

□ علی مجتبی زاده

پی‌نوشت:

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار مجلس هفتم، ۱۳۸۳/۳/۶.
۲. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.
۳. آیت‌الله نوری همدانی در دیدار با واعظی، رئیس دفتر حسن روحانی، ۱۳۹۷/۴/۸.



رفع شبهه

منفورتر از رژیم صهیونیستی

میلیون پناهنده فلسطینی را بر عهده داشت. همه این جنایات، در کنار جنایات دیگری همچون ترور، تبعید، حبس، هتک حرمت مسجدالاقصی و... است که باعث شده بسیاری از افراد و خانواده‌ها، در غم و رنج فراوان قرار بگیرند. رژیم با ارتکاب چنین جنایاتی، نه تنها مستحق نفرت عمومی است؛ بلکه باید نابود گردد.

منفورتر از رژیم صهیونیستی، کسانی هستند که سعی و تلاش در تطهیر و تبرئه آن دارند. دولت‌های استعماری،

همچون آمریکا و انگلیس که خود با جعل و وارونه‌نمایی تاریخ، باعث به وجود آمدن این رژیم منحوس شده‌اند، تلاش می‌کنند با به‌کارگیری افراد ساده‌لوح در بین مسلمانان، مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی را صرفاً سیاسی جلوه دهند.

چقدر زشت است که مسلمانان ببینند و بشنوند که رژیم صهیونیستی، با قبله‌اول مسلمانان، چه می‌کند؛ چگونه مردمی را از وطن و میهن خود می‌راند و چگونه کودکان و زنانی را به اسارت و ذلت می‌کشد؛ اما در روز قدس بگوید: هیچ کس در فکر نابودی دیگران نباشد!

□ نصرالله درویشی

• کشتار مردم روستای «دیر یاسین»: در این جنایت که فقط در دو روز انجام شد، بین ۲۵۰ تا ۳۶۰ فلسطینی، به شهادت رسیدند و صهیونیست‌ها اجساد قربانیان را در چاه‌های آب روستا انداخته، درهای آنها را بستند.

• کشتار مسجد ابراهیمی در الخلیل: یک یهودی آمریکایی الاصل، هنگامی که نمازگزاران در حال سجود بودند، با مسلسل به روی آنان آتش گشود و در نتیجه، ۲۹ تن را به شهادت رساند و ۱۲۵ تن را زخمی کرد.

• جنگ ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و جنگ ۲۰۱۲ و جنگ ۲۰۱۴ و جنگ ۲۰۱۹ علیه مردم مسلمان نوار غزه، علاوه بر خسارات بسیار زیاد مادی و معنوی که به وجود آورد، منجر به کشته شدن هزاران نفر و زخمی شدن ده‌ها هزار نفر دیگر از مردم مسلمان فلسطین گردید.

• آواره کردن فلسطینیان: بر اساس تعریف آژانس امداد رسانی و کار پناهندگان

سازمان ملل (UNRWA)، تعداد پناهندگان فلسطینی از ۷۱۱۰۰۰ در سال ۱۹۵۰م. به بیش از ۶ میلیون نفر در حال حاضر افزایش یافته است. فلسطینی‌ها در نقاط مختلف جهان، سکونت دارند؛ ولی دارای تابعیت نیستند. بین سال‌های ۱۹۹۶م. تا پایان سال ۲۰۱۴م. UNRWA مسئولیت بیش از ۵

تا پیش از قرن ۱۶ میلادی، یهودیان، دوران پررنج و فلاکت‌باری را در اروپا سپری کردند. آنها از آلمان، فرانسه، انگلستان، لهستان و... اخراج یا تبعید شده، دارایی و املاک آنها غصب و مصادره گردید. در سال ۱۶۴۸م. درخواست رهبر یهودیان هلند از پادشاه انگلستان برای اجازه سکونت یهودیان در کشور انگلستان، مورد موافقت پادشاه انگلستان قرار نگرفت؛ به همین دلیل، آنها در اروپا پراکنده بودند.

با کشف قاره آمریکا و مهاجرت بخشی از یهودیان، نشست‌ها و کنفرانس‌های متعددی، برای انسجام درونی یهودیان برگزار شد که نتیجه آنها، روی کار آمدن تفکر صهیونیسم سیاسی در برابر صهیونیسم دینی و فرهنگی بود. بر این اساس، در اواخر قرن ۱۹ میلادی، جنبشی سیاسی و سکولار در یهود شکل گرفت که هدف خود را تشکیل میهن برای یهودیان پراکنده در سراسر دنیا در سرزمین موعود، یعنی فلسطین، می‌دانست.

از همان ابتدای شکل‌گیری جنبش صهیونیسم سیاسی، مخالفت‌های فراوانی با آن صورت گرفت و حتی گروهی از یهودیان، تلاش صهیونیست‌های سیاسی برای بازگشت دسته‌جمعی به فلسطین را نوعی بدعت‌گذاری و حرام می‌دانستند. گستره مخالفت‌ها، به گونه‌ای بود که در سال ۱۹۷۵م. در مجمع عمومی سازمان ملل، صهیونیسم، شکلی از نژادپرستی و تبعیض نژاد، معرفی گردید. با این حال، با توطئه و دسیسه استعمار پیر، انگلیس، رژیم صهیونیستی به نام اسرائیل ایجاد شد که مرور بخشی از جنایات این رژیم، موجی از نفرت و بغض را در هر انسان آزاداندیشی ایجاد می‌کند:

شعر پاسخ

شبهه

هر جمعه چرا طالب آن غیبِ دروغین
بی خود شده از خویش و به دنبال قیوریم؟
چون ساقه‌ی خشکیده و ماتشنه‌ی آبییم
یاران به ریاکاری و ما، بند غروریم
این جمعه که هیچ است و به صد جمعه نیاید
غایب، خودمانیم و چرا فکر ظهوریم؟
در جمعه‌ها عمق ظهور است و ندانیم
گمگشته در این عصر طلایی شعوریم

شاعر ناشناس

پاسخ شبهه

گر هرچه به دیدن نرسد، امر مُحال است
کذب است که صاحب افکار و شعوریم
ما عازم مرگیم در آینده‌ی نزدیک
پس در پی خویشیم که با اهل قیوریم
حقا که جهان تشنه‌ی دیدار امام است
آری، همه پژمرده دل و طالب نوریم
در بند ریا، کبر، حسد، هستم و هستیم
این است که از چشم خدا یک سره دوریم
ما بسته به خویشیم و اشارات خلاق
گر پر پرهانیم، مهبیای حضوریم
تاریک ترین لحظه‌ی شب، قبل طلوع است
تا وقت سحر، دیده به راهیم، صبوریم
شاید زره آید شب یکشنبه نگارم
ما منتظر جمعه، نه مشتاق ظهوریم
خفاش نخواهد، شب ما روز نگرده؟
ما معتقد وعده‌ی تورات و زبوریم
احسن است که ماییم نهان، اوست چو خورشید
پیدا است در آفاق و صد افسوس که کوریم
در عصر سیاه بشری، گم شدگانیم
افتاده به چاهیم و پی راه عبوریم
یارب! برسان صاحب ما را که یتیمیم
در غیبت پیغمبرمان زنده به گوریم

ریحانه مجیدزاده (ترنم بهار)

خودآرایی و رعایت نکردن حجاب، روی آورد. «تشویق رفتارهای مثبت فرزند» و «تعریف از صفات خوب او نزد محارم»، برخی از راه‌های رفع نیازهای عاطفی، شمرده شده است.^۲

۴. گفت‌وگوهای صمیمانه

سفارش شده والدین در شبانه‌روز، بخشی از وقت خود را به فرزند اختصاص داده، با او درباره مدرسه، دوستان و نیازهایش صحبت کنند. همچنین درباره نظافت یا دکوراسیون منزل، از او نظرخواهی کنند. این گفت‌وگوهای صمیمی، والدین را به فرزند، نزدیک‌تر می‌کند؛ به گونه‌ای که فرزند، آنها را از دوستان نزدیک خود می‌شمارد. تازمانی که رابطه والدین با فرزندان، صمیمی نشود، گفته‌ها و نظراتشان، مورد قبول فرزندان نخواهد بود.

۵. هدیه دادن

هدیه دادن را باعث ایجاد محبت دانسته‌اند. توصیه شده در اعیاد مذهبی، برای فرزند دختر، لوازم مرتب با حجاب، مانند چادر، هدیه داده شود. اگر فرزند به این موارد علاقه‌ای ندارد، در کنار هدیه‌ای که به او داده می‌شود، از این هدیه‌ها نیز استفاده شود. همچنین کتاب‌های جذاب درباره حجاب، به او هدیه داده شود و از او خواسته شود مطالب آن را بازگو کند.

۶. توجه به تدریجی بودن تربیت دینی

به والدین توصیه شده که تربیت دینی، امری تدریجی است^۳ و نباید انتظار داشت تلاش‌های آنها، سریع به نتیجه برسد؛ بلکه این مسائل، باید تدریجی و آگاهانه و همراه با تشویق انجام شود.

به فتوای بیشتر مراجع تقلید، رعایت حجاب برای دختری که ۹ سال قمری اش تمام شده، واجب است؛ ولی این سن، برای آشناسازی فرزند دختر با حجاب، دیر شمرده شده است؛ زیرا دختری که تا قبل از ۹ سالگی، آزادانه هر لباسی را می پوشیده، نمی تواند ناگهانی تغییر کرده، حجاب را به طور کامل رعایت کند

برازنده دختران

پرسش: سن مناسب برای آشنا کردن دختران با حجاب، چه سنی است و چه اقداماتی را باید در این زمینه انجام داد؟

آشنا کردن فرزند دختر با حجاب، پیش از بلوغ و به صورت تدریجی، توصیه شده است. محققان سفارش کرده‌اند که دختر از شش سالگی، لباس‌های آستین حلقه‌ای یا دامن کوتاه نپوشد و در هفت سالگی، با کلاه یا روسری‌های کوتاه، موهایش پوشانده شود؛ حجابی که دست و پای او را نگیرد و او را به پوشش کامل نزدیک کند. همچنین توصیه شده والدین با آموزش مسائل محرم و نامحرم در همین سن، فرزند را برای حفظ حجاب در مقابل نامحرمان، آماده کنند.

به فتوای بیشتر مراجع تقلید، رعایت حجاب برای دختری که ۹ سال قمری اش تمام شده، واجب است؛ ولی این سن، برای آشناسازی فرزند دختر با حجاب، دیر شمرده شده است؛ زیرا دختری که تا قبل از ۹ سالگی، آزادانه هر لباسی را می پوشیده، نمی تواند ناگهانی تغییر کرده، حجاب را به طور کامل رعایت کند. راهکارهایی برای آشنا کردن فرزند دختر با حجاب، گفته شده است:

۱. پرهیز از سخت‌گیری

اجبار فرزند به رعایت حجاب به صورت غیرمنطقی و بدون زمینه‌سازی، سبب می‌شود که او نسبت به حجاب، نگرش منفی پیدا کند و بعد از رسیدن به استقلال، حجاب را رها کند.^۱

۲. پرهیز از رفتارهای متناقض

اگر فرزند، مادر خود را با حجاب ببیند، در حالی که دیگر احکام اسلامی، مانند راست‌گویی را رعایت نمی‌کند، موجب دل‌زدگی او از مذهب شده، ممکن است از حجاب، دوری کند.^۲

۳. ارضاء نیازهای عاطفی

رفتارهای صمیمانه و محبت‌آمیز والدین با فرزند، نیازهای عاطفی او را برطرف می‌کند؛ در غیر این صورت، او برای ارضای این نیازها، ممکن است به

ماهنامه ویژه پوشش مطالعاتی دانش‌جویان و طلاب جوان

شماره دوازدهم / خرداد ۱۴۰۲



ویکی پاسخ
پایگاه تخصصی پاسخ به شبهات

شبهات

ماهنامه پوشش مطالعاتی دانش‌جویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org | spasokh.com

wikipasokh.com

pasokh.tv | shobhepajouhi.ir

